



Imam Sadiq Research Institute
for Islamic Sciences

Research Institute for Political
and Defence Studies

P. ISSN: 2795-2538 & E. ISSN: 2783-1299

Website: <http://sjs.isri.ac.ir>

Volume : 5 ; Number : 9

Study and analysis of the effects and results of the characteristics of Islamic resistance on modern Islamic civilization with emphasis on contemporary political and social interpretations

Mohammad Akbari*

Doi: <https://doi.org/10.22034/rcdir.2025.513098.1172>

Received: 2025/03/18 - Accepted: 2025/05/26

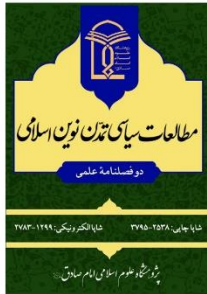
Article Type: Research Article

(96-121)

Abstract

In the face of cultural invasion, political domination, and military threats, Islamic resistance, as a genuine strategy in religious teachings, lays the groundwork for the revival of a modern Islamic civilization. This research, using an analytical-descriptive method, examines the main characteristics of Islamic resistance, including monotheism, remembrance of God, trust in God, unity of the word, formation of a resistance front, and obedience to Islamic leadership, and their effects on components such as self-esteem, stability, unseen help, dynamism, independence, and preparation for the emergence of the Imam of the Time (a.s.). Contemporary political and social interpretation refers to an approach that, considering the social and governmental needs of the time, reinterprets the teachings of the Quran in social and political arenas and reproduces concepts such as "enjoining the good as a system builder" and "resistance as the realization of justice." These interpretations, using text-based methods and paying attention to the interests of the message and the goals of the Sharia, seek to extract civilization-building strategies from the Holy Quran. By analyzing contemporary interpretations such as *Fi Zilal al-Quran*, *Min Wahi al-Quran*, *Al-Kashif*, *Tasnim*, *Minna*, *Al-Manar*, and *Al-Munir*, this article addresses the question of how the characteristics of Islamic resistance can be effective in realizing a new Islamic civilization. The characteristics discussed in this study play a pivotal role in the five-stage process of civilization-building outlined by the Supreme Leader. In the Islamic nation, these characteristics provide a universal model of Islamic civilization that manifests justice and spirituality. Ultimately, the findings of the present study show that Islamic resistance provides a model that goes beyond mere defense and leads to civilizational dynamism, sustainable development, and the promotion of collective identity. **Keywords:** Islamic resistance, modern Islamic civilization, monotheism, unity of the word, the emergence of the Imam of the Time (a.s.), resistance front, obedience to the leadership.

Keywords: Islamic resistance, modern Islamic civilization, Monotheism, Unity of the Word, the Emergence of the Imam of the Time, Resistance Front, Obedience to the Leadership.



* Assistant Professor, Faculty of Quranic Sciences, Holy Quran University of Sciences and Education, Qom, Iran, mohammadakbari2014@gmail.com



پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق
پژوهشگاه مطالعات سیاسی و دفاعی
نشانی پانگه‌نو: http://sjs.isri.ac.ir
P.ISSN: 3795-2538 & E.ISSN: 2783-1299
سال پنجم، شماره نهم

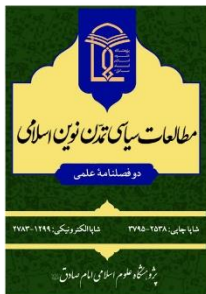
بررسی و تحلیل آثار و نتایج شاخصه‌های مقاومت اسلامی بر تمدن نوین اسلامی با تأکید بر تفاسیر سیاسی و اجتماعی معاصر

محمد اکبری*

Doi: <https://doi.org/10.22034/rcdir.2025.513098.1172>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۸ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۵

نوع مقاله: پژوهشی
(۹۶-۱۲۱)



* استادیار دانشکده علوم قرآنی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران.
mohammadakbrai2014@gmail.com

چکیده

در برابر تهاجم فرهنگی، سلطه سیاسی و تهدیدات نظامی، مقاومت اسلامی، به‌مثابه راهبردی اصیل در تعالیم دینی، زمینه‌ساز احیای تمدن نوین اسلامی است. این پژوهش با روش تحلیلی-توصیفی، شاخصه‌های اصلی مقاومت اسلامی، شامل توحیدباوری، ذکر خدا، توکل، وحدت کلمه، تشکیل جبهه مقاومت و اطاعت از رهبری اسلامی و آثار آن‌ها بر مؤلفه‌هایی چون عزت نفس، پایداری، امداد غیبی، پویایی، استقلال و زمینه‌سازی ظهور امام زمان ع را بررسی می‌کند. تفسیر سیاسی و اجتماعی معاصر، رویکردی است که با توجه به نیازهای اجتماعی و حکومتی زمانه، آموزه‌های قرآن را در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی بازخوانی کرده و مفاهیمی چون «امر به معروف نظام‌ساز» و «مقاومت به‌مثابه تحقق عدالت» را بازتولید می‌کند. این تفاسیر، با بهره‌گیری از روش‌های متن‌محور و توجه به مصالح مرسله و اهداف شریعت، در پی استخراج راهبردهای تمدن‌ساز از قرآن کریم هستند. این مقاله با تحلیل تفاسیر معاصر چون فی ظلال القرآن، من وحی القرآن، الکاشف، تسنیم، نمونه، المنار و المنیر، به این پرسش می‌پردازد که شاخصه‌های مقاومت اسلامی چگونه می‌توانند در تحقق تمدن نوین اسلامی مؤثر باشند. شاخصه‌های مطرح در این تحقیق، در پیوند با فرآیند پنج‌مرحله‌ای تمدن‌سازی ترسیم‌شده توسط مقام معظم رهبری، نقشی محوری ایفا می‌کنند. در امت اسلامی، این شاخصه‌ها الگویی جهانی از تمدن اسلامی ارائه می‌دهند که عدالت و معنویت را متجلی می‌سازد. در نهایت، یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که مقاومت اسلامی الگویی فراتر از دفاع صرف ارائه می‌دهد و به پویایی تمدنی، توسعه پایدار و ارتقای هویت جمعی منجر می‌شود.

واژگان کلیدی: مقاومت اسلامی، تمدن نوین اسلامی، توحیدباوری، وحدت کلمه، ظهور امام زمان ع، جبهه مقاومت، اطاعت از رهبری.

مقدمه

جوامع اسلامی در عصر حاضر با بحران‌های عمیق هویتی، سیاسی و فرهنگی مواجه‌اند که از تهاجمات استکبار جهانی و چالش‌های درونی نشأت می‌گیرند. مقاومت اسلامی، ریشه‌دار در تعالیم قرآنی، نه تنها راهبردی برای دفع تهدیدات خارجی است، بلکه نیرویی محرک برای بازسازی تمدنی محسوب می‌شود. تمدن نوین اسلامی، آرمانی برخاسته از ارزش‌های اصیل دینی، نیازمند بنیان‌هایی است که در برابر چالش‌های معاصر ایستادگی کرده و به پیشرفتی پویا منجر شود. شاخصه‌های مقاومت اسلامی، از توحیدباوری و توکل تا وحدت، اطاعت از رهبری و تشکیل جبهه مقاومت، ظرفیتی بی‌نظیر برای تقویت انسجام درونی، عزت جمعی و تحقق این تمدن دارند. این پژوهش با عنوان «بررسی و تحلیل آثار و نتایج شاخصه‌های مقاومت اسلامی بر تمدن نوین اسلامی با تأکید بر تفاسیر سیاسی و اجتماعی معاصر» به کاوش پیوند این شاخصه‌ها با فرآیند تمدن‌سازی می‌پردازد، با هدف ارائه الگویی عملیاتی که هم پاسخگوی مسائل روز باشد و هم ریشه در آرمان‌های اسلامی داشته باشد.

مقاومت اسلامی در فرآیند پنج مرحله‌ای ترسیم شده توسط مقام معظم رهبری، نقشی محوری ایفا می‌کند. در انقلاب اسلامی، پایداری ملت بنای استبداد را فرو ریخت و زمینه‌ساز نظام‌سازی شد. در نظام اسلامی، وحدت و توکل، قانون اساسی اسلامی را تثبیت کرد. در دولت اسلامی، اطاعت از رهبری و روحیه جهادی، حکمرانی متعهد را شکل می‌دهد. در جامعه اسلامی، مقاومت در برابر تهاجمات فرهنگی، عقلانیت توحیدی و انسجام را تقویت می‌کند. در امت اسلامی، جبهه مقاومت، الگویی جهانی ارائه می‌دهد که تمدن اسلامی را در برابر سلطه جهانی متجلی می‌سازد. این مراحل، با تکیه بر شاخصه‌های مقاومت، از فروپاشی ساختارهای وابسته تا استقرار تمدنی توحیدی پیش می‌روند و زمینه ظهور امام زمان علیه السلام را مهیا می‌کنند.

تفاسیر سیاسی و اجتماعی معاصر، که بر نیازهای روز جامعه و حکومت تمرکز دارند، ابزار این پژوهش‌اند. این تفاسیر، با رویکرد اجتهادی و متن‌محور (مانند تفسیر موضوعی) و توجه

به مصالح مرسله و اهداف شریعت، مفاهیمی چون «امر به معروف نظام ساز»، «مقاومت به مثابه عدالت» و «نفی سلطه استکباری» را بازتولید می‌کنند (جهان بزرگی، ۱۳۸۶: ۳۳؛ احمدزاده؛ ۱۴۰۱: ۶۳-۶۵). تفاسیر برجسته‌ای چون فی ظلال القرآن، تسنیم و نمونه، با استخراج معانی اجتماعی و سیاسی آیات، بستری نظری برای تحلیل مقاومت و تمدن‌سازی فراهم می‌آورند. این پژوهش، با تکیه بر این تفاسیر، شاخصه‌های مقاومت را در برابر چالش‌هایی نظیر تهاجم فرهنگی، سلطه سیاسی و تهدیدات نظامی تحلیل می‌کند.

پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که مطالعات پیشین به صورت نسبی به این حوزه پرداخته‌اند. کاظمی (۱۳۹۷) در «چشم‌انداز تمدن نوین اسلامی»، بر هویت مشترک و ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی جهان اسلام تأکید کرده و تهدید قدرت‌های بزرگ را مانعی برای تمدن‌سازی می‌داند. منصوری و صمدی (۱۳۹۹) در «نقش سرمایه اجتماعی در تمدن نوین اسلامی»، سرمایه اجتماعی را عاملی برای انسجام و تسریع تمدن‌سازی معرفی می‌کنند. دهشیری و بهرامی (۱۴۰۰) در «مؤلفه‌های سیاست خارجی تمدن‌ساز»، سیاست خارجی انقلاب اسلامی را ابزاری برای تحقق آرمان‌های معنوی و فرهنگی امت اسلامی می‌دانند. با این حال، این پژوهش با تمرکز بر پیوند عملی شاخصه‌های مقاومت و تمدن‌سازی، خلأ تحلیل‌های معاصر را پر می‌کند.

این مطالعه، با طرح پرسش «شاخصه‌های مقاومت اسلامی چگونه بستری برای تمدن نوین اسلامی فراهم می‌کنند؟» به دنبال تبیین مبانی نظری و راهکارهای عملی است. چالش‌هایی نظیر تشتت در تفاسیر مقاومت، نبود اجماع بر شاخص‌های عملیاتی و دشواری تبدیل مفاهیم به راهبردهای اجرایی، با تحلیل آثار مقاومت، از عزت و پایداری تا زمینه‌سازی ظهور، هدف‌گذاری شده‌اند. نتایج این پژوهش می‌تواند در سیاست‌گذاری‌های کلان، تقویت انسجام اجتماعی و تحقق تمدنی پیشرفته و قرآنی نقش‌آفرین باشد، تمدنی که عزت، عدالت و معنویت را در جهان اسلام احیا می‌کند.

۱. چارچوب نظری تحقیق

مقاومت اسلامی، به‌عنوان مفهومی ریشه‌دار در آموزه‌های وحیانی، سنت نبوی و سیره

اهل بیت علیهم السلام، فراتر از یک راهبرد تدافعی، رویکردی تمدن‌ساز است که در قرآن کریم و تفاسیر سیاسی-اجتماعی معاصر، مبانی نظری آن تبیین شده است. این مفهوم، با تکیه بر اصول قرآنی نظیر «ولایت»، «استکبارستیزی» و «امر به معروف و نهی از منکر»، چارچوبی نظری ارائه می‌دهد که مقاومت را نه تنها ابزاری برای حفظ هویت اسلامی، بلکه نیرویی تحول‌آفرین در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و تمدنی معرفی می‌کند. تفاسیر سیاسی و اجتماعی معاصر با رویکردی اجتهادی و با بهره‌گیری از روش‌های تفسیری مانند تفسیر موضوعی، مقاصد الشریعة و مصالح مرسله، به بازخوانی نقش دین در جامعه‌سازی، عدالت محوری و نفی سلطه استکباری می‌پردازند. این تفاسیر، با استخراج معانی حکومتی و اجتماعی از آیات، شاخصه‌های مقاومت اسلامی توحیدباوری، توکل، وحدت کلمه، اطاعت از رهبری، جهاد و صبر انقلابی را به‌عنوان ستون‌های تمدن نوین اسلامی تبیین می‌کنند. این شاخصه‌ها با فرآیند پنج مرحله‌ای تمدن‌سازی مقام معظم رهبری پیوند عمیقی دارند. در انقلاب اسلامی، استکبارستیزی و توحیدباوری، بنای رژیم وابسته را فرو ریخت و اراده ملت را متجلی ساخت. در نظام اسلامی، وحدت کلمه و اطاعت از رهبری، قانون اساسی اسلامی را به‌عنوان نقشه‌راه تمدن‌سازی تثبیت کرد. در دولت اسلامی، توکل و صبر انقلابی، دولتمردان را به سوی حکمرانی متعهد و کارآمد سوق می‌دهد. در جامعه اسلامی، جهاد و پایداری در برابر تهاجمات فرهنگی، انسجام و عقلانیت توحیدی را تقویت می‌کند. در امت اسلامی، این شاخصه‌ها، با ایجاد جبهه‌ای متحد، الگویی جهانی از تمدن اسلامی ارائه می‌دهند که عدالت، عزت و معنویت را در برابر نظام سلطه جهانی متبلور می‌سازد. مقام معظم رهبری این فرآیند را زنجیره‌ای مستمر می‌دانند که از انقلاب تا امت اسلامی، با تکیه بر مقاومت، به سوی تمدنی قرآنی پیش می‌رود. شاخصه‌های مقاومت اسلامی، افزون بر تقویت روحیه استقلال و عزت، نهادهای تمدنی را مقاوم‌سازی کرده و بسترهای اجتماعی و سیاسی را برای تحقق تمدن نوین اسلامی مهیا می‌سازند. توحیدباوری، مبنای هویت تمدنی است که امت را از التقات و تحجر مصون می‌دارد. توکل، نیروی محرک پایداری در برابر چالش‌هاست. وحدت کلمه، انسجام اجتماعی را تضمین می‌کند. اطاعت از رهبری، جهت‌گیری حرکت

تمدنی را نظام‌مند می‌سازد. جهاد و صبر انقلابی، موتور پیشران در برابر تهدیدات و زمینه‌ساز پیروزی جبهه حق و ظهور مهدی موعود علیه السلام هستند. این چارچوب نظری، مبتنی بر فرض بنیادین پژوهش است که تعمیق شاخصه‌های مقاومت اسلامی، با پشتوانه تفاسیر سیاسی و اجتماعی معاصر، نقشی محوری در تحقق تمدن نوین اسلامی ایفا می‌کند. این تفاسیر با تحلیل آیات در بستر نیازهای معاصر، مقاومت را به‌عنوان مکانیزمی برای عدالت‌محوری، نفی سلطه و استقرار تمدنی پیشرفته و توحیدی معرفی می‌کنند، تمدنی که عزت و اقتدار امت اسلامی را در جهان معاصر احیا می‌کند.

بادقت در معانی لغوی تمدن می‌توان فهمید که تمدن به معنای شهرنشینی و خلق و خوی شهری به خود گرفتن و دوری از توحش است و جامعه متمدن جامعه‌ای غیر بدوی خواهد بود با توجه به ساده و ابتدایی بودن زندگی بدوی شاید بتوان از اقامت در یک اجتماع بزرگتر، آبادی و توسعه یافتگی، برخوردار از نظام اجتماعی پیشرفته‌تر به عنوان بارزترین ویژگی‌های زندگی در شهر نام برد و مقوله‌هایی چون خلق و خوی شهری داشتن و پرهیز از خشونت و قانونمند بودن و سواد داشتن را به عنوان وجه تمایز جامعه شهری با جامعه بدوی بیان کرد. در واقع زندگی شهرنشینه بیانگر گونه‌ای پیشرفت مادی و معنوی در زندگی انسان است که می‌توان از مفهوم تمدن در معنای لغوی آن دریافت (ابراهیم نژاد، پورعباس، ۱۴۰۱: ۱۶).

واژه «نوین» نیز بیانگر تفاوت آن با تمدن‌های گذشته و معاصر است. به نظر می‌رسد این تازگی از دو منظر قابل بررسی باشد، زیرا ممکن است نوین بودن و ناهمگونی تمدن نسبت به تمدن اسلامی پیشین باشد و این امکان نیز است که این تغایر و ناهمگونی نسبت به تمدن غالب موجود، یعنی تمدن غرب مدنظر باشد. از آنجاکه وصف اسلامیت برای تمدن نوین نه قید توضیحی بلکه وصف و قیدی احترازی است. تمدن نوین اسلامی، با وجود بهره‌گیری از برخی دستاوردهای غرب، به دلیل تفاوت اصولی با آن در تقابل است. این تمدن، با اصلاح ضعف‌های گذشته، الگویی کارآمدتر و متناسب با شرایط جدید ارائه می‌دهد (ابراهیم نژاد و پورعباس، ۱۴۰۰: ۲۹).

تمدن نوین اسلامی تمدنی است که متأثر از آموزه‌های اسلام در زمینه‌های مختلف مادی و معنوی است و مربوط به یک ملت یا یک نژاد خاص نیست؛ بلکه همه ملل و اقوام را در بر می‌گیرد که به وسیله دین رسمی یعنی اسلام و زبان علمی ادبی واحد یعنی زبان عربی با یکدیگر متحد می‌شوند و به طبع در عصر حاضر توجه به مسائل نوینی همانند رسانه، هنر و سینما، صدور احکام فقهی متناسب با نیازهای روز، بهبود روابط بین الملل، تسلیحات نظامی مدرن و... را می‌طلبد.

۲. شکل‌گیری تمدن و تمدن نوین اسلامی

ظهور اسلام در شبه جزیره عربستان، سرزمینی که در دوره جاهلیت از تمدن و مدنیت بی‌بهره بود، تحولی شگرف ایجاد کرد. مردمانی که در جهل، راهزنی و نزاع‌های قبیله‌ای به سر می‌بردند، با دمیدن روح آموزه‌های قرآنی و تعالیم پیامبر اسلام ﷺ به خاستگاه تمدنی جهان‌گستر تبدیل شدند که با تمدن‌های بزرگ زمان خود تعامل کرد و آن‌ها را به هم‌افزایی فرهنگی فراخواند. قرآن کریم، به عنوان کتابی تمدن‌ساز، نه تنها ندای توحید را سر داد، بلکه اصول زندگی اجتماعی، سیاسی، حقوقی و قضایی را تدوین کرد. آیاتی نظیر «أَفَلَا تَعْقِلُونَ» و «فَانظُرُوا» انسان را به خردورزی و تدبیر در آفرینش دعوت می‌کند که مبنای علم و تمدن است (رشیدی، ۱۳۹۲: ۴). همچنین، قرآن با تأکید بر کسب اقتدار، مانند آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال: ۶۰)، مسلمین را به برتری در عرصه‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی فرا می‌خواند (جوهری‌زاده، بی‌تا: ۲۴۷). این اصول، با ایجاد اتحاد و تشویق به کار و تلاش، زمینه‌ساز تمدنی فراملیتی شد و در تمدن نوین اسلامی نیز می‌تواند با بازتعریف در چارچوب نیازهای معاصر، امت اسلامی را به سوی پیشرفت هدایت کند.

تعالیم پیامبر اسلام ﷺ مکمل قرآن در تمدن‌سازی بود. ایشان با تأکید بر وجوب علم‌آموزی، چنان‌که فرمودند: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ» (کلینی، ۱۳۶۵، ج: ۱، ۳۰)، و تشویق به تلاش بی‌حد در کسب دانش، با عباراتی مانند «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ بَعَاةَ الْعِلْمِ» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج: ۲۷، ۲۶)، جهل‌زدایی و ارتقای معرفت را وظیفه‌ای دینی شمردند. این تأکید، که علم‌آموزی را فریضه‌ای بی‌انتهای می‌داند، بستری برای شکوفایی علمی و

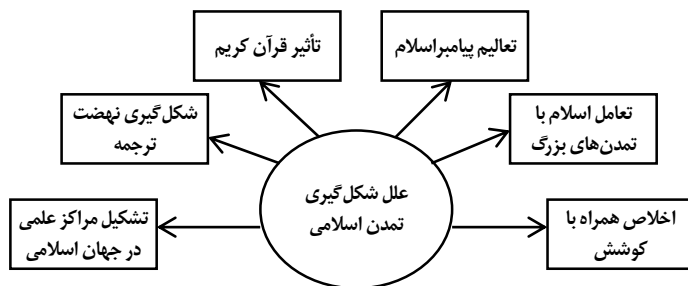
فرهنگی فراهم کرد که در تمدن نوین اسلامی نیز با ترویج آموزش و پژوهش پیشرفته، قابل احیاست.

تعامل اسلام با تمدن‌های بزرگ، مانند تمدن‌های ایرانی و رومی، و نهضت ترجمه، که متون علمی و فلسفی را به جهان اسلام منتقل کرد، نقش کلیدی در غنای تمدن اسلامی داشت (رجبی، ۱۳۹۸: ۷۴). این تعامل، با ایجاد مراکز علمی نظیر بیت الحکمه، به تبادل دانش و پیشرفت علمی منجر شد. در تمدن نوین اسلامی، این عامل می‌تواند با بهره‌گیری از فناوری‌های مدرن و گفت‌وگوی بین‌تمدنی، جایگاه علمی اسلام را احیا کند. اخلاص و کوشش مستمر نیز، به‌عنوان روح تمدن‌سازی، با ترویج فرهنگ کار و تعهد، در کنار تأسیس نهادهای علمی مدرن، تمدن نوین اسلامی را به سوی پویایی سوق می‌دهد.

به نظر نویسنده، عوامل یادشده، از قرآن و تعالیم نبوی تا تعاملات بین‌تمدنی و نهضت علمی، نه تنها تمدن اسلامی اولیه را شکل دادند، بلکه با بازتعریف در عصر حاضر، قادرند تمدن نوین اسلامی را به‌عنوان تمدنی پیشرو و جهانی احیا کنند. این تمدن، با تکیه بر خردورزی، علم محوری و اخلاص، می‌تواند امت اسلامی را به جایگاه تأثیرگذار خود در جهان معاصر بازگرداند.

با توجه به عوامل مذکور، علل شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی را در شکل ذیل می‌توان

نشان داد:



نمودار ۱: علل شکل‌گیری تمدن اسلامی

(منبع: یافته‌های پژوهش)

مقام معظم رهبری با استفاده از این عوامل، رسیدن به یک پیشرفت همه‌جانبه و ایجاد یک تمدن نوین اسلامی را هدف انقلاب اسلامی و ملت ایران می‌دانند. (آیت‌الله خامنه‌ای،

بیانات، ۱۳۹۱/۷/۲۳) به اعتقاد ایشان «امت اسلامی با همه ابعاد خود در قالب ملت‌ها و کشورها باید به جایگاه تمدنی مطلوب قرآن دست یابد» (همان، ۱۳۹۲/۲/۹). رهبر انقلاب اسلامی فرآیند شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی را در پنج مرحله اساسی مطرح نموده‌اند. بنابر فرمایشات ایشان، ایجاد تمدن نوین اسلامی، فرآیندی است سلسله‌وار که حلقه اول آن، انقلاب اسلامی است. بعد تشکیل نظام اسلامی، بعد تشکیل دولت اسلامی، بعد تشکیل جامعه اسلامی و نهایتاً تشکیل امت اسلامی است. این یک زنجیره مستمری است که به هم مرتبط می‌باشد (همان، ۱۳۹۰/۷/۲۴).

فرآیند پنج مرحله‌ای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی که از سوی مقام معظم رهبری ترسیم شده، نه تنها نقشه‌راهی برای بازیابی هویت تمدنی اسلام است، بلکه مدلی نظام‌مند برای گذار از زیست بوم فعلی به جامعه‌ای مبتنی بر عقلانیت توحیدی، عدالت‌ساختاری و اقتدار مستقل اسلامی محسوب می‌شود. آنچه این سیر را از یک تئوری صرف به یک حرکت تاریخی زنده بدل می‌سازد، نقش محوری شاخصه‌های مقاومت اسلامی است؛ مؤلفه‌هایی چون استقلال طلبی، استکبارستیزی، روحیه جهادی، اعتماد به نفس ملی، عدالت محوری، وحدت‌گرایی و ایمان به وعده‌های الهی. شاخصه‌های مقاومت، در حقیقت پیشران اصلی گذار از «نظام اسلامی» به «دولت اسلامی» و سپس «جامعه اسلامی» هستند. در شرایطی که سازوکارهای جهانی بر طرد مؤلفه‌های دینی و بومی بنا شده، تنها با منطق مقاومت است که می‌توان ساختارهای وابسته را فرو ریخت و الگوی مدیریتی مستقل، متعهد و کارآمد پدید آورد. مقاومت، موتور تحرک دولت اسلامی در اصلاح حکمرانی، و عامل انسجام جامعه اسلامی در برابر تهاجم فرهنگی و تهدیدات نرم است. از این منظر، تمدن نوین اسلامی نه یک بازگشت صرف به گذشته، بلکه آینده‌ای است که از دل جهاد مستمر و مقاومتی هوشمندانه زاده می‌شود. فرمایشات رهبری، با تأکید بر پیوستگی این فرآیند و نیاز آن به بصیرت، صبر و مقاومت راهبردی، نشان می‌دهد که تنها ملتی که ایستادگی کند، شایسته دستیابی به تمدنی جهانی و قرآنی است. بدین ترتیب، مقاومت اسلامی نه تنها ضامن بقاست، بلکه جوهره‌ی پیشرفت و بنیان‌گذار تمدنی نوین و الهی در تراز امت اسلامی است.

۳. شاخصه‌های مقاومت اسلامی

مقاومت دارای شاخصه‌های متعددی است که برخی از مهمترین آن‌ها با بهره‌گیری از آیات قرآن کریم مورد بررسی قرار گرفته است. این شاخصه‌ها عبارت اند از:

۳-۱. توحید باوری

توحید باوری از ارکان اساسی مقاومت است و مقاومت با توحیدباوری پیوند ناگسستنی دارد. موحدان اهل مقاومت باتوجه به اینکه ایمان قلبی به خداوند متعال دارند و او را مبدأ و مقصود خود می‌دانند، در همه امور دارای انگیزه هستند و این ایمان ایشان در مقاومت آنان نیز تأثیر مستقیم و غیرقابل‌انکاری دارد به گونه‌ای که ایشان را به کوه‌های استواری که در مقابل هیچ چیز از پای نمی‌افتند تبدیل می‌کند و قرآن کریم نیز آنان را به بنایی فولادین که مقاوم و استوار هستند تشبیه می‌کند.

قرآن کریم در سوره فصلت باورمندان به توحید که با شهادت به وحدانیت خدا صبر پیشه کرده اند را اینگونه معرفی می‌کند: اهل ایمان به ربوبیت و وحدانیت خداوند متعال اقرار می‌کنند و همیشه بر توحید مداومت دارند و هرگز به کسی غیر از خدا رجوع نمی‌کنند و براین اساس استقامت دارند و بر اوامر خداوند متعال پایداری می‌کنند (زحیلی، ۱۴۱۱ق، ۲۴: ۲۲۳) ما مأمور به اعلان برائت از مشرکین و آنچه می‌پرستند شده ایم و باتوجه به دستور قرآن «قل هو الله احد» (الاخلاص/۱) آنچه از ما خواسته شده، برپاداشتن کلمه توحید است، حتی اگر این امر به طرد شدن ما یا شورش دیگران علیه ما بینجامد؛ زیرا این کلمه، بزرگ‌ترین حقیقت در عرصه انسانیت به شمار می‌آید. توحید نقطه تلاقی بردگی و آزادگی، ذلت و عزت، و نیز مرز میان آتش و بهشت است. اما کلمه توحید بدون استقامت چه معنایی دارد؟ آیا توحید به خودی خود به معنای نفی همتایان و انکار سلطه طغیان‌گران نیست؟ بنابراین اگر انسان به سوی این امور بازگردد و در برابر آن‌ها خضوع نشان دهد، در حقیقت اصل توحید را انکار کرده است. در حالی که خداوند متعال بنده خویش را به معرفت خود هدایت می‌کند و او را به ذات خویش راهنمایی می‌سازد، سپس با آزمون‌های گوناگون او را می‌آزماید؛ گاه با مال و زمانی با جسم او، تا بدین سان ایمانش را مورد امتحان قرار دهد. اگر

در این آزمون فروپاشد، نشانه آن است که در توحید صادق نبوده و خدا او را به حال خود وا می‌گذارد؛ اما اگر استقامت ورزد، این پایداری که از ایمان حقیقی و توحید اصیل سرچشمه می‌گیرد، سبب می‌شود فرشتگان بر او نازل شوند تا به فرمان پروردگار بر ثبات قدمش بیفزایند (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ۱۲: ۲۱۸ و ۲۱۹). این شاخصه از آیه ۳۰ سوره فصلت استخراج شده است.

با توجه به مطالب مذکور می‌توان گفت: توحیدباوری، به مثابه بنیادین‌ترین رکن اعتقادی اسلام، نقشی محوری در فرایند شکل‌گیری و استقرار تمدن نوین اسلامی ایفا می‌کند. باور به وحدانیت الهی، نه صرفاً یک اصل کلامی، بلکه نیروی تمدن‌ساز است که جامعه اسلامی را به سوی استقلال هویتی، خودباوری دینی و پایداری فرهنگی سوق می‌دهد. در پرتو توحید، مؤمنان از هرگونه وابستگی به قدرت‌های غیرالهی رها شده و با تمرکز بر قدرت لایزال الهی، اراده‌ای خلل‌ناپذیر در مواجهه با چالش‌های داخلی و تهدیدات بیرونی می‌یابند. این بنیان اعتقادی، ضامن پویایی اجتماعی، انسجام سیاسی و ایستادگی در برابر سلطه بیگانگان است و از این رهگذر، مسیر تحقق آرمان تمدن نوین اسلامی را هموار می‌سازد. به بیان دیگر، توحیدباوری روح مقاومت را در کالبد جامعه دمیده و به مثابه روحی زنده، موتور محرک نهضت‌های احیایی، عدالت‌خواهانه و تمدنی در جهان اسلام به شمار می‌آید.

۲-۳. ذکر و یاد خدا

ذکر و یاد خدا از مسائل بنیادی و اساس دین است. مؤمن با ایمانی محکمی که به خداوند متعال دارد در مقابل مشکلات و ناگواری‌ها از پای نمی‌افتد و همیشه مقاوم و پایدار است. انسان برای ایجاد تحرک و انگیزه نیازمند یاد و ذکر مداوم خداوند متعال است، یاد خداوند و یاد نعمت‌هایی که به او ارزانی داشته است در او انگیزه مقاوم بودن را تقویت می‌کند و خودبینی‌ها و تجاوزها را کنار می‌گذارد. قرآن کریم همواره مؤمنان را به ذکر و یاد خدا توصیه می‌کند «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را فراوان یاد کنید» (احزاب: ۴۱) یاد خدا سرچشمه قدرت روحی و معنوی و عامل استقامت در راه اوست. ذکر کثیر که در قرآن کریم آمده است؛ یعنی انسان با تمام وجود به خدا توجه

نماید و فقط ذکر خدا لقلقة زبان نباشد و به این ترتیب در همه حال به یاد خدا باشد، هنگام عبادت، هنگام حضور در جامعه، هنگام حضور در صحنه گناه و در هنگام بلا و مصیبت و مشکلات و دیگر صحنه‌های زندگی به یاد خداوند باشد و واکنش مناسب و الهی را فراموش ننماید (مکارم شیرازی، ۱۳۶۲ش، ۱۷: ۳۷۶ و ۳۷۷).

ذکر و یاد خداوند متعال به انسان آرامش و اطمینان خاطر می‌دهد «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ؛ آگاه باشید که دلها به یاد خدا آرامش می‌یابد» (رعد: ۲۸) هنگامی که انسان مداوم به یاد خدا و همواره متصل به او و از او یاری بخواهد، زمانی که می‌داند قدرتی عظیم و بی‌بدیل در همه حال پشتیبان او است ترس و خوف از او دور می‌شود و با اطمینانی که به خداوند متعال دارد دارای آرامش است و از غیر خدا امید و انتظاری ندارد و تمام امید او خداوند است و باتکیه بر خدا در مسیر رفع موانع و مشکلات در دنیا و آبادانی در جامعه و اصلاح میان مردم استقامت و پایداری می‌ورزد و با یاد و ذکر مداوم استقامت و پایداری ایشان نیز مداوم و پایدار خواهد بود. منظور از ذکر فقط یک سخن و کلام گفتنی و شنیدنی نیست؛ بلکه منظور از آن سخنی است که موجب افزایش یقین و اطمینان قلبی به خداوند و ایمان به وعده‌های او در شخص می‌گردد و اگر گفتن ذکر این اثر را در قلب و روح شخص نداشته باشد چنین ذکر اثر حقیقی نداشته است (مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۴: ۶۲۹).

متواضعان درگاه حق تعالی هنگام یاد خدا، دل‌های ایشان پر از خوف پروردگارشان می‌گردد، نه اینکه از غضب خداوند ترس داشته باشند یا در رحمت و مهربانی خداوند شک کنند، بلکه ترس آن‌ها به خاطر مسئولیت‌هایی که خداوند به ایشان سپرده است و از این خوف دارند که مبادا در مسئولیت‌شان دچار کوتاهی و کم‌کاری شده باشند. این ترس و خوف به خاطر درک عظمت و مقام خداوند است و اینگونه یاد کردن خدا آن‌ها را در برابر حوادث و مشکلات دردناکی که در زندگی ایشان رخ می‌دهد صبور و شکیبا می‌سازد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۴: ۱۰۳).

این شاخصه از آیاتی از قرآن کریم همچون آیه ۴۱ سوره احزاب و آیه ۲۸ سوره رعد استخراج شده و مفسران در تفاسیر سیاسی - اجتماعی بدان اشاره کرده‌اند.

در تمدن نوین اسلامی، ذکر و یاد خدا نقش بنیادین در شکل دهی به روحیه فردی و اجتماعی مسلمانان دارد. مؤمنی که همواره به یاد خداست، در برابر مشکلات و ناملایمات دچار سستی نمی شود و با پایداری و امیدواری مسیر تعالی را طی می کند. تمدن اسلامی نیازمند انسان هایی است که انگیزه حرکت و تحول را از ارتباط قلبی با خداوند به دست آورده باشند. یاد مستمر خدا، به عنوان سرچشمه قدرت روحی و معنوی، فرد را از خودبینی، یأس و سستی دور ساخته و او را به سوی مقاومت، اصلاح جامعه و تلاش برای آبادانی سوق می دهد. تمدن نوین اسلامی، که بر اساس آموزه های قرآن شکل می گیرد، نیازمند مؤمنانی است که ذکر خدا نه فقط بر زبان، بلکه در عمق جانیشان جریان داشته باشد و در همه عرصه های زندگی خود — عبادت، فعالیت اجتماعی، مواجهه با گناه و ابتلائات — واکنشی الهی و درست داشته باشند. آرامش و اطمینانی که از یاد خدا حاصل می شود، جامعه ای پرتوان، مقاوم و سرشار از امید می سازد؛ جامعه ای که با تکیه بر خداوند متعال، در برابر موانع تسلیم نمی شود و در مسیر تحقق عدالت، پیشرفت علمی و اخلاقی، و احیای ارزش های الهی، گام های استوار برمی دارد.

۳-۳. توکل و اعتماد به خدا

توکل و اعتماد به خداوند از مهم ترین مؤلفه های مقاومت به شمار می آید. با توکل و اعتماد حقیقی به خدای بزرگ و متعال، می توان بر تمامی مشکلات غلبه کرد و از هرگونه مانع عبور نمود. توکل، یأس و ناامیدی را از انسان دور می سازد؛ زیرا فرد متوکل بر قدرتی تکیه دارد که سراسر امید و رحمت است. چنین انسانی هرگز دچار ناامیدی و خستگی نمی شود، بلکه همواره سرشار از امید است؛ امیدی که او را به حرکت، پویایی و تلاش در مسیر پیشرفت و تعالی سوق می دهد. وقوع حوادث و رخدادهای گوناگون، به دلیل اتکای او به خداوند، موجب انحراف وی از مسیر حق نمی گردد؛ بلکه همه امور را نیکو می بیند و از هیچ چیز بیم ندارد. فرد متوکل با آرامش و استقامت در راه حق گام برمی دارد، چرا که زمام امور خود را به حکیم و دانای مطلق سپرده است.

خداوند در قرآن کریم از زبان حضرت هود، به توکل ایشان اشاره می کند؛ توکلی که

سبب استقامت و پایداری او شده و هرگونه ترس و هراس را از دل او زدوده است. روشن است که حضرت هود، با اعتماد کامل به خداوند، هیچ بیمی به خود نداده است؛ هرچند قوم او افرادی نیرومند و قدرتمند بودند و توانایی نابود کردن او را داشتند، اما به تصریح خود حضرت هود، این قدرت در او کوچک‌ترین هراسی ایجاد نکرد و موجب سستی قدم‌هایش نشد. او در برابر تهدیدهای آنان با صراحت اعلام می‌کند: «من بر خدا توکل کرده‌ام؛ زیرا او مدبر امور من و شماس است.» این بیان در حقیقت تأکیدی است بر این حقیقت که خداوند متعال بر تمام کارهای آنان احاطه دارد و همواره سنت الهی در رویارویی حق و باطل یکسان بوده است؛ سنتی که همانا یاری حق و غلبه آن بر باطل است (طباطبایی، ۱۳۱۴، ج ۱۰: ۴۴۸ و ۴۴۹).

ارزش و اهمیت صبر و استقامت در این است که مؤمن را از نظر روحی به مرتبه‌ای می‌رساند که لذت حقیقی زندگی را در رضای الهی می‌یابد و بی‌وقفه در مسیر حرکت و تعالی گام برمی‌دارد. او در برابر سختی‌ها و مشکلات با قدرت و صلابت ایستادگی کرده و حتی هنگامی که دیگران در برابرش چالش‌های خطرآفرین ایجاد می‌کنند، با اعتماد به نفس مسیر خود را ادامه می‌دهد. راه دستیابی به چنین مرتبه روحی، توکل به خداوند است؛ زیرا توکل سرچشمه استقامت در وجود انسان است و این حالت جز با اعتماد کامل به خداوند تحقق نمی‌یابد. قرآن کریم می‌فرماید: «الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ؛ آنها کسانی هستند که صبر و استقامت پیشه کردند، و تنها بر پروردگارشان توکل می‌کنند» (نحل: ۴۲)

آنچه از مفهوم توکل فهمیده می‌شود، ارجاع همه امور به خداوند و باور به این حقیقت است که در شرایطی که انسان هیچ وسیله یا راهی برای رهایی ندارد و با امکانات عادی قادر به مقابله با مشکلات نیست، تنها خداوند بزرگ و صاحب قدرت مطلق است که زمام همه امور در دست اوست و یاری‌رسان بنده در تمامی عرصه‌ها خواهد بود و گره‌های دشوار به دست او گشوده می‌شود. بر این اساس، توکل به معنای توقف و انفعال نیست؛ بلکه فرد متوکل همواره در مسیر دعوت به سوی خدا و تلاش در راه او حرکت می‌کند (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۱۳: ۲۲۹).

در خصوص ارتباط این شاخصه با تمدن نوین اسلامی می توان گفت توکل و اعتماد به خداوند، از مهم ترین پایه های تمدن نوین اسلامی است. جامعه ای که اعضایش بر قدرت لایزال الهی تکیه دارند، در برابر سختی ها، تهدیدها و مشکلات دچار یأس و رکود نمی شود. انسان متوکل، با باور به حکمت و قدرت بی نهایت خداوند، روحیه ای مقاوم، امیدوار و پرتلاش پیدا می کند. این روحیه، او را در مسیر رشد علمی، اخلاقی و اجتماعی متوقف نمی سازد، بلکه همواره در جهت آبادانی زمین، خدمت به خلق و تحقق عدالت الهی به پیش می راند. تمدن نوین اسلامی نیازمند انسان هایی است که در برابر توفان های دشوار، خم به ابرو نیاورند و با امیدی الهی به اصلاح جامعه بپردازند. همان گونه که قرآن کریم فرمود: «الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (عنکبوت: ۵۹)؛ کسانی که شکیبایی ورزیده و بر پروردگارشان توکل نموده اند». توکل راستین فرد و جامعه را از وابستگی به اسباب ظاهری رها ساخته و دل ها را به قدرت مطلق خداوند گره می زند. چنین باوری، تمدنی پایدار، مقاوم و متکی بر ارزش های الهی می سازد که با وجود چالش ها، مسیر پیشرفت خود را با آرامش، صلابت و اطمینان ادامه می دهد.

۳-۴. وحدت کلمه

وحدت کلمه یکی از اساسی ترین عوامل استحکام جوامع و پیشرفت ملت ها به شمار می آید. در فرایند شکل گیری تمدن نوین اسلامی، اتحاد مسلمانان نه تنها یک ضرورت دینی، بلکه یک نیاز بنیادین اجتماعی و تمدنی است. بدون تحقق وحدت، دستیابی به عزت، قدرت و پیشرفت امکان پذیر نخواهد بود. در مقابل، تفرقه آسیب های جبران ناپذیری بر پیکره امت اسلامی وارد می سازد و زمینه تسلط دشمنان را فراهم می کند. خداوند متعال در آیه ۴۶ سوره انفال، از اختلافاتی که با هدف تضعیف قدرت و توان یکدیگر و به صورت آگاهانه شکل می گیرد، نهی فرموده است. گرچه خداوند انسان ها را یکسان نیافریده و اختلاف نظر در بسیاری از حوزه ها امری طبیعی است، اما اگر این اختلافات با هدف رسیدن به حقیقت و اصلاح امور باشد، می تواند عامل رشد و تعالی جامعه اسلامی گردد. در مقابل، اختلافات ویرانگر که به قصد نابودی یکدیگر صورت گیرد، منجر به نزاعی می شود که در آیه مذکور به

معنای کندن چیزی از ریشه آمده است. چنین نزاعی طرفین را به کارگیری تمام توان برای ریشه‌کن کردن یکدیگر وامی‌دارد و در نهایت، موجب نابودی قدرت هر دو طرف و آشکار شدن سستی و ضعف آنان می‌شود. بنابراین، تفرقه همواره زیان‌بار و وحدت همواره سودمند است؛ این حقیقت، سنتی جاودان از جانب خداوند متعال است (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۳۲: ۵۳۲-۵۳۵).

وحدت کلمه به عنوان یکی از پایه‌های اصلی تمدن نوین اسلامی، نقش تعیین‌کننده‌ای در انسجام، شکوفایی و اقتدار امت اسلامی دارد. در جهانی که چالش‌های فکری، سیاسی و فرهنگی پیوسته در حال گسترش است، هیچ ملتی بدون همدلی و یکپارچگی نمی‌تواند به پیشرفت و تمدن‌سازی دست یابد. تمدن نوین اسلامی نیازمند ملتی است که اختلاف‌های طبیعی را مدیریت کند و آنها را به فرصتی برای هم‌افزایی و رشد تبدیل نماید، نه به عاملی برای نزاع و فروپاشی. وحدت کلمه، نیروی جمعی مسلمانان را در مسیر تحقق آرمان‌های الهی متمرکز می‌کند و مانع از هدررفت توان و امکانات آنان می‌شود. بر پایه این وحدت، می‌توان شبکه‌ای از همکاری‌های علمی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در سراسر جهان اسلام شکل داد که بستر پیشرفت‌های تمدنی را فراهم کند. همانگونه که قرآن کریم مسلمانان را به حفظ وحدت و پرهیز از تفرقه فراخوانده، تمدن نوین اسلامی نیز بدون پایبندی به این آموزه قرآنی، تحقق نخواهد یافت. از این رو، وحدت کلمه نه یک شعار، بلکه یک راهبرد بنیادین برای بازسازی و شکوفایی دوباره تمدن اسلامی در عصر معاصر است.

۳-۵. تشکیل جبهه مقاومت

یکی از مهم‌ترین آموزه‌های قرآن کریم در مسیر تحقق آرمان‌های امت اسلامی، لزوم تشکیل جبهه‌ای نیرومند در برابر ظلم، فساد و فتنه است. در جهانی که دشمنان اسلام با انواع دسیسه‌ها و تجاوزها در کمین امت نشسته‌اند، مقاومت سازمان‌یافته یک ضرورت حیاتی به شمار می‌آید. جبهه مقاومت، پاسخی عملی به فرمان الهی برای امر به معروف و نهی از منکر است و با ایستادگی در برابر ظلم و دفاع از مظلومان، زمینه‌ساز برقراری امنیت، عدالت و عزت در سرزمین‌های اسلامی و حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی می‌شود. خداوند

متعال در آیه ۱۰۴ سوره مبارکه آل عمران می فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛ «باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آنها همان رستگارانند» (آل عمران: ۱۰۴) در این آیه گروهی را برای احیای امر به معروف و نهی از منکر فرمان می دهد و چه منکری بالاتر از قتل عام مسلمین و زنان و کودکانشان و به غارت بردن منابع و ذخیره های ملی ایشان است، بنابر آیه مذکور افرادی باید مقابل این تروریست های وحشی صفت قد علم کنند و شر آنان را از سر مسلمانان کم کنند و تشکیل جبهه ی مقاومت بخوبی تأمین کننده این دستور خداوند متعال است.

امروزه با نگاهی به وضعیت نامطلوب برخی کشورهای منطقه، روشن می شود که این نابسامانی ها عمدتاً ناشی از فعالیت گروه های تکفیری و تروریستی است، گروه هایی که در پس پرده از حمایت هایی از سوی برخی قدرت های غربی از جمله ایالات متحده و نیز شماری از کشورهای عربی برخوردارند و هدف آن ها ایجاد هرج و مرج و تضعیف کشورهای اسلامی است. در این میان، نقش جبهه مقاومت در تأمین امنیت و ثبات منطقه ای به وضوح برجسته می شود. تقویت و حمایت مؤثر از این جبهه توسط کشورهای مسلمان می تواند به کاهش و حتی ریشه کنی تروریسم و افراط گرایی منجر شود و بسیاری از مشکلاتی را که هم اکنون جوامع اسلامی با آن ها مواجه اند، برطرف سازد. به این ترتیب، زمینه برای پیشرفت و شکل گیری تمدن نوین اسلامی نیز هموار خواهد شد.

۳-۶. پیروی و اطاعت از رهبری و حاکم اسلامی

پیروی از رهبر و حاکم اسلامی از دیگر شاخصه های مقاومت است که خداوند متعال در قرآن کریم مؤمنان را به رعایت آن توصیه کرده است و با توجه به نقش تعیین کننده اطاعت از رهبری به ویژه در عرصه های جنگ و مقابله با دشمنان، بارها مؤمنان به اطاعت از رسول خدا ﷺ و پرهیز از نافرمانی ایشان سفارش شده اند و نتیجه بی توجهی به این امر مهم، یعنی نافرمانی از فرماندهی جبهه حق جز شکست چیز دیگری نخواهد بود. همانطور که خداوند همین مسئله را علت شکست مسلمانان در جنگ احد اعلام کرده است.

در جنگ اُحد، پیامبر ﷺ گروهی از تیراندازان را برای حفاظت از عقبه سپاه در کنار کوه مستقر کرد و تأکید نمود که حتی در صورت شکست دشمن، موقعیت خود را ترک نکنند. در آغاز، مسلمانان بر مشرکان غلبه یافتند و آنان را وادار به فرار کردند. اما پس از مشاهده غنایم، برخی تیراندازان دچار طمع شدند و با نادیده گرفتن فرمان پیامبر ﷺ، موقعیت خود را ترک کردند. خالد بن ولید از این فرصت استفاده کرده، به همراه مشرکان به تیراندازان حمله کرد و آنان را از بین برد. با خالی شدن عقبه سپاه، مشرکان بازگشتند، مسلمانان را محاصره کردند و بسیاری را به شهادت رساندند. در نتیجه، پیروزی اولیه مسلمانان به شکست انجامید (مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۱۱: ۲۹۴ و ۲۹۵). این ماجرا نشان داد که اختلاف و نافرمانی از رهبر، سرانجامی جز شکست ندارد. بنابراین پیروی و اطاعت از رهبری و حاکم اسلامی، یکی از اساسی‌ترین مؤلفه‌های انسجام اجتماعی و موفقیت امت اسلامی در دستیابی به اهداف عالی تمدنی است.

در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی، وجود رهبری حکیم، عادل و شجاع، و تبعیت مردم از او، ضرورتی انکارناپذیر است. تجربه‌های تاریخی همچون ماجرای جنگ اُحد نشان می‌دهد که بی‌توجهی به دستورات رهبری، حتی در اوج پیروزی، می‌تواند امت را به شکست و تضعیف بکشاند. تمدن نوین اسلامی نیازمند امتی متحد و منسجم است که تحت زعامت رهبری الهی حرکت کند. رهبری اسلامی با شناخت دشمنان، هدایت صحیح امت، اتخاذ تصمیمات حکیمانه و سازماندهی نیروهای اجتماعی، بستر لازم برای پیشرفت، عدالت و عزت مسلمانان را فراهم می‌آورد. از سوی دیگر، نافرمانی و تفرقه، فرصت نفوذ دشمنان را افزایش می‌دهد و توان مقاومت امت را تضعیف می‌کند. در پرتو اطاعت آگاهانه از رهبری، امت اسلامی می‌تواند وحدت درونی خود را حفظ کرده، بر چالش‌های داخلی و خارجی غلبه کند و به سوی ساختن تمدنی نوین، مبتنی بر ارزش‌های الهی و انسانی، گام‌های بلندی بردارد.

۴. آثار و نتایج شاخصه‌های مقاومت در تمدن نوین اسلامی

مقاومت و استقامت صحیح و مدبرانه دارای آثار و برکات فراوانی در تمدن نوین اسلامی خواهد بود که به برخی از مهمترین آثار و نتایج آن در ذیل اشاره می‌گردد.

۱-۴. کرامت و عزت نفس

در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی، که به فرموده مقام معظم رهبری با گذر تدریجی از مراحل انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و نهایتاً امت اسلامی شکل می‌گیرد، یکی از پایه‌های اساسی و ناشی از شاخصه‌های مقاومت، کرامت و عزت نفس است. این مفهوم فراتر از یک ارزش اخلاقی ساده است و به عنوان بنیانی تمدنی، هویت مستقل، شجاع و عزتمند جامعه اسلامی را تضمین می‌کند. مقاومت در برابر سلطه طلبی و استکبار نه تنها موجب تعالی روانی و شخصیتی مؤمن می‌شود، بلکه او را از هرگونه انفعال و خودباختگی در برابر قدرت‌های مادی بازمی‌دارد و زمینه‌ساز حضور فعال، مسئولانه و مؤثر در عرصه‌های فردی و اجتماعی است (محمدی اشتهاردی، ۱۳۸۱ ش: ۱۷).

در فرآیند شکل‌گیری دولت اسلامی و جامعه اسلامی، آن‌گونه که رهبر انقلاب اسلامی تأکید دارند، دستیابی به عزت حقیقی تنها در گرو تعهد به ارزش‌های الهی و ایستادگی در برابر ظلم است. این همان عزتی است که قرآن کریم در کلامی روشن بیان می‌فرماید: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا» (فاطر: ۱۰). نگاه توحیدی به عزت، به‌ویژه در مرحله تشکیل دولت اسلامی، از مسئولان و جامعه می‌خواهد که نه تنها خود را به ارزش‌ها و آرمان‌های الهی ملتزم سازند، بلکه با مقاومت فعال، ساختارهای وابسته و تحقیرآمیز را کنار گذاشته و با اعتماد به نفس، مدیریت در تراز اسلام را بنیان نهند. چنان‌که آیت الله فضل‌الله نیز بیان می‌دارد، این عزت در سایه ارتباط مخلصانه با خداوند و مقابله با انحراف و سلطه‌پذیری حاصل می‌شود (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۱۹: ۹۰).

در چنین چشم‌اندازی، تمدن نوین اسلامی بدون تربیت انسان‌هایی عزتمند و مقاوم، قابل تحقق نخواهد بود. امتی که کرامت را در پرتو مقاومت حفظ کرده باشد، نه تنها در برابر تطمیع و تهدید تسلیم نمی‌شود، بلکه با اتکال به خدا و ایمان به وعده‌های الهی، می‌تواند الگویی تمدنی برای دیگر جوامع اسلامی ارائه دهد. بنابراین، عزت نفس، نه تنها ثمره‌ای از شاخصه‌های مقاومت است، بلکه ستون فقرات در تحقق مراحل میانی و نهایی تمدن اسلامی، یعنی جامعه و امت اسلامی، به‌شمار می‌رود.

۲-۴. پایداری در رویارویی با دشمنان

یکی از نتایج بنیادین شاخصه‌های مقاومت در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی، تجلی پایداری و ثبات قدم ملت‌ها در برابر دشمنان دین و انسانیت است. از منظر رهبر معظم انقلاب، تحقق تمدن نوین اسلامی مستلزم عبور نظام‌مند از مراحل پنج‌گانه‌ای است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، تثبیت دولت و جامعه اسلامی بر پایه مؤلفه‌های مقاومت و ایستادگی در برابر تهدیدات بیرونی است. در این مسیر، ملت‌هایی که به روحیه مقاومت مجهز شده‌اند، نه تنها در عرصه‌های داخلی از توان مدیریت بحران‌ها برخوردار می‌شوند، بلکه در مواجهه با دشمنان خارجی نیز با صلابت و اقتدار عمل می‌کنند.

این حقیقت در داستان طالوت و سپاه اندک‌ش در برابر لشکر عظیم جالوت به‌وضوح آشکار است؛ جایی که مؤمنان مجاهد، از خداوند صبر، استواری و پیروزی طلب کردند، یعنی همان مؤلفه‌هایی که در منظومه مقاومت اسلامی، بنیان تحرک دولت و انسجام جامعه را شکل می‌دهند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۲۴۵). قرآن کریم در آیه‌ای راهبردی می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (محمد: ۷). این آیه شریفه، پیوندی مستقیم میان یاری خداوند، ثبات قدم و پیروزی بر دشمنان برقرار کرده و اساس آن را در وفاداری به جبهه حق و ایستادگی در راه دین الهی معرفی کرده است. آیت‌الله فضل‌الله نیز تصریح می‌کند که هر ملتی که در دفاع از دین الهی و ارزش‌های توحیدی پایدار بماند، به‌گونه‌ای ویژه مورد حمایت الهی قرار می‌گیرد (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۲۱: ۵۶). این حمایت الهی، به تعبیر رهبر انقلاب، ضامن عبور از مرحله نظام اسلامی به دولت اسلامی و جامعه‌ای عزتمند است که در برابر هجمه‌های جهانی، نه منفعل بلکه پیش‌برنده و الهام‌بخش عمل می‌کند.

در نتیجه، پایداری در رویارویی با دشمنان، تنها یک کنش تدافعی نیست، بلکه وجهی تمدن‌ساز از مقاومت اسلامی است که جامعه را در برابر تهدیدات آسیب‌ناپذیر ساخته و حرکت آن را به سوی تشکیل امت اسلامی و تمدنی قرآنی هموار می‌سازد. چنین تمدنی که بر بنیان مقاومت شکل گیرد، نه تنها دارای اقتدار و ثبات درونی خواهد بود، بلکه الگوی

الهام بخش ملت های مسلمان برای رهایی از سلطه و حرکت به سوی استقلال و پیشرفت خواهد شد.

۳-۴. امداد غیبی

از مهم ترین برکات و ثمرات مقاومت در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی، بهره مندی از امدادهای غیبی الهی است؛ یاری های ویژه ای که از جانب خداوند به مؤمنانی عطا می گردد که در مسیر حق پایدار و ثابت قدم باقی بمانند. مطابق با آموزه های قرآنی، اگر جامعه مؤمن، شایستگی خود را با ایمان، توکل و ایستادگی در میدان های جهاد آشکار سازد، مشمول سنت الهی نصرت می گردد؛ نصرتی که در قالب عوامل بیرونی و درونی، مؤمنان را تقویت کرده و موازنه قدرت را به نفع آنان تغییر می دهد (مولایی نژاد، سعیدی پور، ۱۳۹۸: ۱۴۱ و ۱۴۲).

قرآن کریم در سوره احزاب به واقعه ای بزرگ از تاریخ صدر اسلام اشاره می کند و آن را به عنوان نمونه ای روشن از امداد غیبی معرفی می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا...» (الاحزاب: ۹). در جنگ احزاب، مؤمنان در شرایطی بسیار سخت قرار گرفتند؛ از یک سو دشمن با تمام توان تجهیزاتی آمده بود و از سوی دیگر منافقان، فضا را متزلزل ساخته بودند. در چنین وضعیتی، مؤمنان با استقامت و پیروی از فرمان پیامبر ﷺ و با تکیه بر قدرت الهی، در میدان باقی ماندند و به واسطه این پایداری، خداوند یاری خویش را از طریق طوفان سخت، لشکریان نامرئی، و رعب و وحشت در دل دشمنان نازل فرمود (مکارم شیرازی، ۱۳۶۲، ج ۱۷: ۲۱۷). قدرت نمایی حضرت امیرالمؤمنین علی ؑ در برابر عمر بن عبدود، جلوه ای از همین امدادهای غیبی و ظهور توان الهی در مجاهدان مؤمن بود. این واقعه نه تنها پیروزی در یک جنگ، بلکه نقطه عطفی در تثبیت پایه های دولت اسلامی به شمار می رود.

رهبر معظم انقلاب در تبیین مراحل تمدن نوین اسلامی، بر این نکته تأکید دارند که پس از تشکیل نظام و دولت اسلامی، عبور به مرحله «جامعه سازی» نیازمند مقاومتی همه جانبه است که در پرتو آن، نصرت الهی نیز جاری می گردد. امداد غیبی در واقع تجلی همان نصرت وعده داده شده به کسانی است که در همه میدان ها - از فرهنگی و اقتصادی تا سیاسی

و نظامی - صحنه را ترک نکرده، با صبر و مجاهدت پایدار مانده‌اند. بنابراین، امداد غیبی تنها به میدان‌های نظامی محدود نمی‌شود، بلکه در همه عرصه‌های رویارویی تمدنی، نصرت خداوند بر جامعه‌ای نازل می‌شود که مسیر بندگی، وفاداری به حق و ایستادگی بر ارزش‌ها را برگزیده است.

۴-۴. استقلال

از ثمرات مهم مقاومت، دستیابی به استقلال در عرصه‌های گوناگون فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و علمی است. ملت‌هایی که در برابر سلطه طلبی و مداخلات بیگانگان پایداری می‌ورزند و از میدان عقب‌نشینی نمی‌کنند، بی‌تردید شایسته آزادی و استقلال خواهند بود. شهید مطهری در این زمینه تأکید می‌کند که گرچه علوم و فنون بین‌المللی هستند و هیچ ملتی مالک انحصاری آن‌ها نیست، اما آنچه هویت و موجودیت یک ملت را تضمین می‌کند، استقلال فکری و فرهنگی اوست. ملتی که مکتب، سبک زندگی و چارچوب ارزشی مستقل داشته باشد و تسلیم فرهنگ بیگانه نشود، صاحب حق حیات است. در مقابل، ملتی که برای مکتب خود به بیگانگان متوسل شود، ناگزیر تن به بردگی خواهد داد (مطهری، ۱۳۷۱: ۲۴). بر اساس این نگاه، استقلال یک دستاورد مقاومتی است که از رهگذر عبور از وابستگی و ایستادگی در برابر سلطه‌جویی حاصل می‌شود.

قرآن کریم در تأیید این اصل می‌فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱)؛ یعنی مؤمنان نباید اجازه دهند کافران در هیچ‌یک از حوزه‌های حیات اجتماعی بر آنان چیره گردند. اگر در مواردی سلطه دشمنان بر مسلمانان مشاهده می‌شود، به سبب ضعف در انجام تکالیف الهی و ترک مقاومت است (مکارم شیرازی، ۱۳۶۲ش، ۴: ۱۷۵-۱۷۶). از این رو، تحقق استقلال در همه ابعاد، نیازمند استقامت و مجاهدت پیگیر است. تنها در سایه این پایداری است که ملت اسلامی می‌تواند مسیر تمدن‌سازی را طی کرده و عزتمندانه، بی‌نیاز از سلطه بیگانگان، تمدن نوین اسلامی را بنا نهد.

۴-۵. پیروزی جبهه حق

صبر و استقامت، ارکان مقاومت اسلامی و پیش‌نیاز تحقق تمدن نوین اسلامی در فرآیند

پنج مرحله ای معرفی شده توسط مقام معظم رهبری هستند. قرآن کریم در آیه «فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال: ۶۶) پیروزی مؤمنان را به صبر مشروط می‌داند، که توان روحی آن‌ها را دوچندان کرده و با نصرت الهی همراه است (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۳۳: ۶۰-۶۳). صبر، مؤمنان را به پیروزی یا شهادت، دو خیر عظیم، می‌رساند، برخلاف کفار گرفتار جاه‌طلبی مادی (رضا، ۱۴۱۴، ج ۱۰: ۷۸).

در انقلاب اسلامی، استقامت ملت بنیان استبداد را فرو ریخت و زمینه‌ساز نظام‌سازی گردید. در نظام اسلامی، صبر و پایداری ارزش‌های انقلاب را در قانون اساسی تثبیت کرد. در دولت اسلامی، استقامت دولتمردان، مدیریت متعهد و کارآمد را شکل می‌دهد و تضمین‌کننده عملکرد نظام است. در جامعه اسلامی، صبر در برابر تهاجمات فرهنگی، انسجام اجتماعی و عقلانیت توحیدی را حفظ می‌کند. در امت اسلامی، استقامت الگویی جهانی از تمدن اسلامی ارائه می‌دهد که فرهنگ توحیدی را ترویج و نهادینه می‌سازد. صبر و استقامت نیروی پیشران تمامی این مراحل هستند که با ایمان به وعده‌های الهی، روحیه استقلال‌طلبی و روحیه جهادی، مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی را هموار می‌کنند. به این ترتیب، پیروزی جبهه حق و شکل‌گیری این تمدن، محصول مقاومت هوشمندانه‌ای است که عزت، عدالت و معنویت را در جهان احیا می‌کند.

۶-۴. مهیاشدن زمینه ظهور امام زمان (عج)

ظهور حضرت مهدی علیه السلام نیازمند مقدماتی چون تعمیق ایمان، عمل صالح، پاکی دل و استقامت در برابر اوامر و نواهی الهی است. این شرایط، که در بستر مقاومت اسلامی شکل می‌گیرند، جامعه مؤمنان را برای پذیرش ظهور آماده می‌کنند (نصرتی، ۱۴۰۰: ۶۱). قرآن کریم در آیه «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ... وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا» (نور: ۵۵) به مؤمنان وعده خلافت الهی، تثبیت دین و تبدیل ترس به امنیت می‌دهد. برخی مفسران این آیه را به حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام مرتبط می‌دانند که نامانی را ریشه‌کن کرده و توحید را حاکم می‌سازد (مکارم شیرازی، ۱۳۶۲، ج ۱۴: ۵۳۰-).

۵۳۱). این وعده، اگرچه در زمان‌های مختلف مصادیقی داشته، در ظهور مهدی موعود علیه السلام به کمال می‌رسد.

مقاومت اسلامی، به عنوان عمل صالح و پیش نیاز ظهور، با فرآیند پنج مرحله‌ای تمدن‌سازی مقام معظم رهبری پیوند عمیقی دارد. در انقلاب اسلامی، استقامت ملت، نظام استبدادی را سرنگون کرد. در نظام اسلامی، پایداری در ارزش‌های دینی، قانون اساسی اسلامی را تثبیت نمود. در دولت اسلامی، استقامت دولتمردان، حکمرانی متعهد را شکل می‌دهد. در جامعه اسلامی، مقاومت در برابر تهاجمات فرهنگی، ایمان و انسجام را تقویت می‌کند. در امت اسلامی، پایداری مؤمنان، الگویی جهانی از تمدن اسلامی ارائه می‌دهد که زمینه‌ساز ظهور است. استقامت، موانع ظهور را برطرف کرده و انسان‌هایی مقاوم تربیت می‌کند که یاران حضرت مهدی علیه السلام خواهند بود. بنابراین، مقاومت اسلامی نه تنها پیشران تمدن نوین اسلامی است، بلکه با تقویت ایمان و عمل صالح، جامعه را به ظهور و حاکمیت جهانی توحید نزدیک‌تر می‌سازد.

نتیجه‌گیری

مقاومت اسلامی، ریشه در آموزه‌های قرآنی و تفاسیر سیاسی-اجتماعی معاصر دارد و با مؤلفه‌هایی چون توحیدباوری، توکل، وحدت، اطاعت از رهبری اسلامی و تشکیل جبهه مقاومت، نه تنها سپری در برابر تهدیدات خارجی است، بلکه نیرویی سازنده برای بنیان‌های تمدنی در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به شمار می‌رود. این شاخصه‌ها، آثاری چون عزت نفس، پایداری، امداد غیبی، پویایی، استقلال، پیروزی جبهه حق و زمینه‌سازی ظهور امام زمان علیه السلام را به ارمغان می‌آورند که فراتر از دفاع، پایه‌های تمدن نوین اسلامی را استوار می‌سازند. این یافته‌ها با فرآیند پنج مرحله‌ای تمدن‌سازی مقام معظم رهبری پیوند عمیقی دارند. در انقلاب اسلامی، مقاومت ملت، نظام استبدادی را فرو ریخت. در نظام اسلامی، وحدت و توکل، قانون اساسی اسلامی را تثبیت کرد. در دولت اسلامی، اطاعت از رهبری و روحیه جهادی، حکمرانی متعهد را شکل می‌دهد. در جامعه اسلامی، پایداری در برابر تهاجمات فرهنگی، انسجام و عقلانیت توحیدی را تقویت می‌کند. در امت اسلامی،

جبهه مقاومت، الگویی جهانی ارائه می دهد که تمدن اسلامی را در برابر نظام سلطه جهانی متجلی می سازد. این مراحل، با تکیه بر مقاومت، از فروپاشی ساختارهای وابسته تا استقرار تمدنی توحیدی پیش می روند و زمینه ظهور را مهیا می کنند. مقاومت اسلامی، نه تنها ضامن بقای هویت اسلامی، بلکه موتور محرک توسعه نهادی و تمدنی است. این پژوهش تأکید دارد که نهادینه سازی شاخصه های مقاومت در سیاست گذاری های کلان، الگویی عملیاتی ارائه می دهد که ضمن پاسخگویی به چالش های معاصر، ریشه در آرمان های اصیل اسلامی دارد. تمدن نوین اسلامی، با تکیه بر خودباوری، عدالت و اقتدار، آینده ای متعالی برای جهان اسلام رقم می زند که در آن عزت، انسجام و معنویت، جایگزین سلطه و انفعال می شود. از این رو، تقویت این اصول در برنامه ریزی های استراتژیک، ضرورتی اجتناب ناپذیر برای تحقق تمدنی پیشرفته و قرآنی است.

کتابنامه

ابراهیم نژاد، محمدرضا، و پورعباس، محمد (۱۴۰۰). واکاوی مفهوم تمدن نوین اسلامی با رویکرد معناشناختی. مطالعات سیاسی تمدن نوین اسلامی، ۱(۱)، ۱۱-۳۳.

Dor: 20.1001.1.37952538.1400.1.1.1.9

ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت، دارصادر.
احمدزاده، مصطفی (۱۴۰۱). مبانی تفسیر اجتماعی. قم، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

انوری، حسن (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن. تهران، سخن.

بیانات و پیام های آیت الله خامنه ای. دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir>

جهان بزرگی، احمد (۱۳۸۶). متدولوژی تفسیر سیاسی. تهران، کانون اندیشه جوان.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳). تفسیر تسنیم. قم، اسراء.

جوهری زاده، محمدرضا (بی تا). تمدن و علوم اسلامی. تهران، سعیدی.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعه. قم، مؤسسه آل البيت.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۶). لغت نامه. تهران، دانشگاه تهران.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). مفردات الفاظ القرآن. بیروت، دارالشامیه.

رجبی، علی اصغر (۱۳۹۸). تمدن نوین اسلامی، چالش ها و راهبردها. قم، نشر معارف.

رشیدرضا، محمد (۱۴۱۴). تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار). بیروت، دارالمعرفة.

- رشیدی، بهروز (۱۳۹۲). امام خمینی و نهضت احیای تمدن اسلامی. تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- زحیلی، وهبه (۱۴۱۱). التفسیر الوسیط. دمشق، دارالفکر.
- سید قطب (۱۳۸۱). فی ظلال القرآن. بیروت، دارالشروق.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۱۴). تفسیرالمیزان. (سیدمحمدباقر موسوی، مترجم). قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- فضل الله، محمدحسین (۱۴۱۹). تفسیر من وحی القرآن. بیروت، دارالملاک.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). الکافی. (علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، مصححان). تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- محمدی اشتهاری، محمد (۱۳۸۱). سیرت پیشوایان در عزت و کرامت نفس. پاسدار اسلام، ۱۷-۱۹.
- مدرسی، محمدتقی (۱۴۱۹). من هدی القرآن. تهران، دارالمحب الحسین.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۱). استقلال و آزادی. نشریه کیهان فرهنگی، ۲۴-۲۵.
- معین، محمد (۱۳۸۴). فرهنگ فارسی. تهران، نامن.
- مغنیه، محمدجواد (۱۳۷۸). تفسیر کاشف. قم، بوستان کتاب.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۲). تفسیر نمونه. تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مولایی نژاد، حبیب الله، سعیدی پور، سیما (۱۳۹۸). بررسی امدادهای غیبی در زندگی بشر از دیدگاه علامه طباطبایی. آفاق علوم انسانی، ۳(۲۹)، ۱۴۱-۱۵۴.
- نصرتی، علی اصغر (۱۴۰۰). آثار و برکات مقاومت هوشمندانه جمهوری اسلامی ایران، آثار ملی، منطقه‌ای و جهانی. ره‌توشه، ۲۴(۱۳۵)، ۵۷-۶۸.
- نفیسی، علی اکبر (۱۳۵۵). فرهنگ نفیسی. تهران، خیام.